

### اعلامیه مطبوعاتی

میانجی‌گری میان ایران و امریکا؛ ذهنیت تنگ‌نظرانه‌ای که بر حفاظت از منافع قدرت‌های جهانی در برابری امتیازات سیاسی، نظامی و اقتصادی استوار است، مانع آن می‌شود که پاکستان به یک ابرقدرت تبدیل گردد!

(ترجمه)

حکومت و رسانه‌های پاکستان، میانجی‌گری پاکستان در جنگ میان ایران و امریکا را به‌عنوان یک دستاورد بزرگ جلوه می‌دهند؛ اما در حقیقت، هدف این میانجی‌گری فراهم ساختن راه خروجی برای حفظ آبروی امریکا است؛ امریکایی که در بحران‌ها غرق شده و به‌سوی شکست حتی روان است. این کار از طریق کشاندن ایران به میز مذاکره صورت می‌گیرد تا تنگه‌هرمز دوباره باز شود و ایران از توانایی‌های خود برای دست‌یابی به سلاح هسته‌ای دست بردارد؛ بی‌آن‌که شروط مشابهی بر امریکا و رژیم یهود تحمیل گردد.

میانجی‌گری پاکستان به نیابت از امریکا، حضور پایگاه‌های نظامی امریکا در منطقه را طولانی‌تر خواهد ساخت؛ پایگاه‌هایی که بزرگ‌ترین آن خود رژیم یهود است. همچنان این میانجی‌گری راه را برای توافق‌نامه‌های ابراهیم هموار می‌سازد تا امنیت رژیم یهود تضمین گردد. در مقابل، ایران به آزادسازی بخشی از دارایی‌های منجمدشده خود و رفع تحریم‌های وضع‌شده بر آن دست خواهد یافت.

اما پاکستان انتظار دارد که به بازارهای غربی دسترسی پیدا کند، کمک‌های مالی بگیرد، سرمایه‌گذاری‌های خارجی افزایش یابد، انتقال تکنولوژی صورت گیرد، شروط صندوق بین‌المللی پول تخفیف یابد، قرضه‌هایی با شرایط آسان فراهم شود، تجهیزات نظامی خریداری گردد، حمایت در سازمان ملل به‌دست آید و در برابر هند از پشتیبانی سیاسی برخوردار شود.

این همان دیدگاه نخبه‌حاکم در پاکستان است؛ دیدگاهی که رهبری نظامی و سیاسی بر آن توافق دارند. این دیدگاه در حقیقت بر اعتماد کامل به نظام بین‌المللی امریکایی، اطاعت از آن و خدمت به آن در برابر گرفتن امتیازات استوار است. چنین دیدگاهی زندگی سیاسی و اقتصادی پاکستان و نیز مسلمانانی را که در آن زندگی می‌کنند، تابع سلطه و تصمیم‌های این نظام می‌سازد.

از زمان تقسیم شبه‌قاره هند و به‌دست‌آوردن استقلال محدود در سال ۱۹۴۷م، نخبه‌حاکم و صاحبان قدرت در پاکستان که در غرب پرورش یافته است، اسپر تفکر تنگ‌نظرانه‌ای بر بنیاد سیاست محوریت‌یابی بوده است. وضعیت کنونی پاکستان نتیجه همین ذهنیت وابسته است؛ ذهنیتی که مانع تحقق ظرفیت‌های واقعی پاکستان شده و نگذاشته است این سرزمین، با وجود قدرت نظامی و توانایی‌های هسته‌ای‌اش که آن را شایسته قرارگرفتن در شمار کشورهای پیش‌تاز جهان می‌سازد، به یک قدرت بزرگ تبدیل گردد.

جز جدال بر سر هم‌سویی با محور امریکایی یا سوسیالیستی، هیچ مسیر دیگری اجازه ظهور نیافته است. در نتیجه، طی هفتاد سال گذشته، خدمت به منافع امریکا در برابر گرفتن امتیازات مشخص اقتصادی و نظامی، به ستون اصلی تفکر استراتژیک در پاکستان و عامل اصلی تعیین‌کننده جهت‌گیری آن تبدیل شده است. کامیابی یا ناکامی هر حاکمی نیز با میزان توانایی او در گرفتن امتیازات بهتر اقتصادی و نظامی در برابر خدمت به یک قدرت جهانی سنجیده شده است!

همین ذهنیت به امریکا و چین فرصت داده است تا از این امتیازات به‌عنوان ابزارهایی برای تأثیرگذاری مستقیم بر سیاست‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و خارجی پاکستان استفاده کنند. در نتیجه، پاکستان هنوز در معضله خدمت به دو قدرت بزرگ، یعنی امریکا و چین، گرفتار است و در عین حال می‌کوشد میان روابط خود با این دو موازنه برقرار سازد.

وادرکردن ایران به زانو زدن در برابر قدرت بزرگی چون آمریکا و واردکردن شکست نظامی بر آن، ثابت می‌سازد که سرزمین نیرومند و هسته‌ای مانند پاکستان، که به پیشرفته‌ترین سلاح‌ها مجهز است، باید امور منطقه را خود به‌دست گیرد، نه این‌که به یکی از محوره‌های جهانی بپیوندد. راه پیشرفت پاکستان در رویارویی با قدرت‌های جهانی و نظام بین‌المللی امریکایی نهفته است.

پیش از جنگ اخیر میان ایران و آمریکا، خود ایران نیز همین ذهنیت محدود را در پیش گرفته بود؛ یعنی این‌که باید با نظام بین‌المللی امریکایی کار کرد، نه این‌که با آن مقابله نمود. ایران پیش از این در عراق و سوریه، در خدمت منافع آمریکا در منطقه، در خون‌ریزی‌ها دخیل شد. همچنان ایران هر نوع همکاری ممکن را برای تقویت منافع آمریکا در افغانستان، عراق، سوریه، یمن، لبنان و جاهای دیگر فراهم ساخت.

اما هنگامی که آمریکا و رژیم یهود بر ایران حمله کردند و رهبری ایران را که به همکاری با نظام بین‌المللی امریکایی باور داشت، کشتند، رهبری نظامی جدیدی زمام نیروهای مسلح را به‌دست گرفت. این رهبری جدید سیاست مقابله با آمریکا را برگزید و از ایران و منافع آن در منطقه از طریق اقدام نظامی تهاجمی دفاع کرد.

سیاست مقابله با آمریکا، ایران را از کشور با نفوذ محدود به نیرومندترین دولت در خاورمیانه تبدیل کرد؛ دولتی که سیاست‌های منطقه را مطابق اراده خود ترسیم می‌کند. این در حالی است که ایران در جریان جنگ، خسارت‌های اقتصادی، نظامی و انسانی را متحمل شد. با این همه، در ظرف چند ماه، سیاست نظامی و سیاسی تهاجمی ایران، این کشور را به یک قدرت بزرگ منطقه‌ای تبدیل کرد. اگر ایران پس از رسیدن به توافق با آمریکا، دوباره به سیاست تفاهم با نظام جهانی امریکایی بازنگردد، بلکه تصمیم‌های خود را مستقل از دیکته‌های این نظام اتخاذ کند، حفظ نفوذ آمریکا در خاورمیانه برای آن بسیار دشوار خواهد شد.

ای نیروهای مسلح پاکستان! هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم دولت اسلامی را در مدینه منوره برپا ساخت، با وجود آن‌که آن دولت کوچک بود، اتحاد با هیچ‌یک از دو قدرت بزرگ آن زمان، یعنی روم و فارس، را انتخاب نکرد؛ بلکه هر دو را به چالش کشید. در نهایت، خلفای پس از رسول الله صلی الله علیه وسلم این دو قدرت را در نبردهای یرموک، قادسیه، نهاوند و اجنادین به‌گونه کوبنده شکست دادند. بدین‌گونه، رسول الله صلی الله علیه وسلم راه را برای ما به‌روشنی نشان دادند. ما امتی هستیم که مأموریت عظیمی در این جهان بر دوش آن گذاشته شده است؛ مأموریت ما اطاعت و خدمت به قدرت‌های بزرگ در برابر گرفتن چند امتیاز اقتصادی یا نظامی نیست! الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ [التوبه: 33]

ترجمه: او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها چیره گرداند؛ هرچند مشرکان ناخشنود باشند.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«لَا تَسْتَضِيئُوا بِنَارِ الْمُشْرِكِينَ»

ترجمه: از آتش مشرکین طلب روشنائی نکنید (درکارهای حیاتی خویش، به قدرت و حمایت مشرکان تکیه نکنید).

این یک حکم شرعی است که بر اساس آن، برای مسلمانان به‌عنوان یک جماعت جایز نیست که از کفار، در حالی که آنان موجودیت مستقل خود را حفظ کرده‌اند، کمک نظامی طلب کنند. پس اگر گروه‌های نظامی نسبتاً ضعیفی مانند طالبان یا مجاهدین غزه می‌توانند با قدرت‌های بزرگ نظامی کفار بجنگند، و اگر ایران توانسته است آمریکا را در میدان نبرد خوار و ذلیل سازد، پس چه چیزی شما را، ای نیروهای مسلح پاکستان، از بیرون‌راندن آمریکا از این منطقه باز می‌دارد؟!

بی‌تردید، این همان دیدگاه محدود رهبری شماست که شما را در خدمت قدرت‌های بزرگ مقید ساخته و از انجام مأموریت بزرگی که الله سبحانه و تعالی بر شما واجب کرده، بازداشته است؛ مأموریتی که شما شایسته آن و توانمند بر انجام آن هستید. تحقق این هدف جز با دادن نصرت به حزب التحریر برای اقامه خلافت ممکن نیست؛ خلافتی که حلقه‌اساسی برای رسیدن به این هدف است.

پس برخیزید و خلافت را برپا کنید؛ زیرا شرایط جهانی کاملاً برای تغییر آماده است، و فراتر از آن، نصرت الله سبحانه و تعالی با شماست. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الروم: 47]

ترجمه: و همواره نصرت مؤمنان بر ما واجب بوده است.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایة پاکستان